

# نگاهی به بررسیهای کلامی و معرفتی در مجله حوزه

عباس مخلصی

حوزه‌های دینی و عالمان دانش‌آموخته و برخاسته از آن حوزه‌ها، همیشه، تلاش ورزیده‌اند تا معارف و آموزه‌های دین را به فراخور نیازهای فکری متدینان، بازگویند و بپراکنند و در هر زمان، بیانی و روشنگری درخور فهم اهل زمان از آموزه‌های دینی داشته باشند. در یک نگاه کلی، معارف اسلامی به سه بخش، دسته‌بندی می‌شود:

اعتقادی-فکری  
اخلاقی-سلوکی  
عبادی-مناسکی

در حوزه دانش‌های دینی، برای هر بخش از معارف، دانش خاصی شکل گرفته که به ترتیب عبارتند از:

کلام و الهیات  
اخلاق و عرفان  
فقه و حقوق

در این که کدام دانش، نسبت به دانش دیگر، برتری دارد و پیش است و باید در نظام تعلیم و تعلم، جایگاه برتری ییابد و یا آن که هر سه در یک ردیف قرار دارند و از همسانی برخوردارند و باید همبرابر یکدیگر فهم و نشر شوند، جای درنگ و نظر است.

البته ناگفته نماند برای این مهم شاید نشود چگونگی‌ها، رویدادها و زمینه‌های عصری را نادیده انگاشت. شهید ثانی علوم شرعی را چهار دسته می‌شمارد و در بیان بایستگی تعلیم و تعلم، هریک از این دانشها به آیات و روایات استناد می‌جوید:

«...الفصل الاول فی اقسام العلوم الشرعية الاصلية وهي أربعة:

علم الکلام و علم الکتاب العزیز و علم الاحادیث النبویة و علم الاحکام الشرعية المعبر عنها بالفقه.

فاما علم الکلام و یُعبرُ عنه باصول الدین، فهو اساس العلوم الشرعية و قاعدتها، لأنَّ به یُعرفُ اللهَ تعالی و رسوله و خلیفته و غیرها مما یشتملُ علیه و به یُعرفُ صحیح الآراء من فاسدها و حقها من باطلها و قد جاء فی الحثِّ علی تعلّمه و فضله کثیر من الکتاب و السنة...

و اما علم الکتاب فقد استقر الاصطلاح فیهِ علی ثلاثة فنون قد اُفردت بالتصنيف و أطلق علیها اسم العلم:

احدها: علم التجويد...

ثانیه: علم القراءة...

ثالثها: علم التفسیر...<sup>۱</sup>

فصل اول در اقسام دانشهای شرعی اصلی که به چهار دسته، دسته بندی می‌شوند:

علم کلام، علم به کتاب خدا، علم به احادیث نبوی و علم به احکام شرعی که از آن به علم فقه تعبیر می‌شود.

اما علم کلام، که آن را اصول دین می‌نامند، اساس و بنیاد علوم شرعی و محور و قاعده آنهاست. زیرا انسان، با این دانش است که به خداوند شناخت پیدا می‌کند و با رسول خدا و جانشین او، آشنا می‌شود. و نیز به حقایق دیگر معرفت می‌یابد، حقایقی که شناخت و راه به آنها در پرتو علم کلام ممکن است.

و در پرتو این دانش است که باورها و عقاید درست از نادرست، حق از باطل را باز می‌شناسد.

در کتاب و سنت، انگیزاننده‌های بسیاری برای فراگیری این علم و آگاهی از آن وجود دارد...

اما دانش کتاب، بر سه فن استوار است که در باره هر یک از این سه فن کتابهای جداگانه‌ای نگارش یافته است و به هر یک از آنها کلمه «علم» اطلاق شده است: علم تجوید... علم قراءت... علم تفسیر...

با نگاهی به دوران پیشین، این نتیجه به دست می‌آید که علم کلام در برابر علم فقه و دیگر علوم، جایگاه بس والایی داشته است. فقیهان، بررسی و درنگ روی علم کلام را پیش می‌داشته‌اند و در مجالسها و محفلهای گوناگون، به آموزاندن دانش کلام همت می‌گمارده‌اند.

بسیاری از فقیهان نامور شیعه، افزون بر آثار فقهی، آثار کلامی نیز دارند و بحث خداشناسی را برابر آیات شریفه و روایات، که انسان را به شناخت خداوند، بر می‌انگیزانند، مهم و در سرلوحه حرکت و کارهای علمی و در رأس هرم دانش قرار داده‌اند.

اما پس از هنگامه‌ای که اخباریان به پا کردند، یعنی از قرن دوازدهم هجری به بعد، هر فقیه‌ی که پا به عرصه گذاشت، گویا خود را برابر سیل دمان اخباری‌گری دید، از این روی، ناگزیر شد تمام توش و توان خود را به کار ببندد، تا پایه‌های فقه را بر دانش اصول استوار سازد، تا اندیشه‌های اخباری به آن گزند وارد نسازند.

این حرکت، به جای خود مهم و سرنوشت‌ساز بود و هیمنه اخباری‌گری را در هم فروریخت؛ اما دامن زدن بیش از حد به آن، آن هم در دوره‌های بعدی، که نیازی احساس نمی‌شد، عالمان ما را از بحث اصلی بازداشت و کلام، که زیربنای هر دانشی است، از جایگاه واقعی خود، برکنار ماند و از درسهای حوزه در این دوره‌های اخیر حذف شد و یاد ر حاشیه قرار گرفت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به این دانش، احساس نیاز شد. پایه‌های فکری انقلاب اسلامی، باید بر دانش کلام استوار می‌شد. یاران انقلاب و کسانی که انقلاب را بر دوش می‌کشیدند که همانا طلاب جوان و دانشجویان و اهل فکر بودند، باید از نظر کلامی پخته می‌شدند و این مهم و برنامه و حرکت بنیادین، از عهده هیچ مرکز علمی و نهادی بر نمی‌آمد جز حوزه‌های علمیه. حوزه‌های علمیه ابتدا باید نیروهای خود را به آبشخور کلام رهنمون می‌شد و از کوثر زلال کلام، به آنان می‌چشانند و آن‌گاه دامنه این دانش ناب را به سرتاسر کشور، به همه جوامع علمی و به ذهن و فکر اهل فکر و مردمان، می‌گسترانند. مجله حوزه، با درک این مسأله و نیاز روز حوزه‌ها و جامعه‌های علمی، دست به کار شد که هم جایگاه دانش کلام را بنمایاند و نیاز به دانش کلام را در روزگار جدید آشکار سازد و هم زوایای ناروشن از معارف را به کمک این دانش، روشن سازد.

به برکت انقلاب اسلامی، مدیریت‌های اجتماعی، به رشته هماهنگی و

همسویی با معارف و ارزش‌های اسلامی درآمدند و این امر، ایجاب کرد که حوزه‌های علمیه، پژوهشگران و عالمان، به تلاش برخیزند و زوایای گوناگون دین: کلامی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را روشن سازند، تا فرد و جامعه بتواند برابر آنها رفتار خود را سامان دهد.

مجله حوزه، حرکتی در همین ساحت بود. با نگاهی فراگیر به ساحت‌های دین و با توجه به انتظارات و نیازها و خلائهای فکری جامعه، به پاسخ‌گویی دینی پرداخت و نیاز جامعه را به پاسخ‌گویی دینی و برآوردن نیازها بر اساس آموزه‌ها و معارف دینی، به روشنی باز گفت و اهل فکر را به این مقوله توجه داد که کلام باید محور قرار بگیرد. و همه آفتهای فکری، از میدان‌دار و محور نبودن کلام ناشی می‌شود.

بخش معارف و کلام مجله حوزه، با همین انگیزه گشوده شد. این گام، هرچند کوچک، اما اثربخش بود. از آن‌جا که با استقبال فضلا، طلاب و اهل فکر روبه‌رو شد، کسانی که باید درمی‌یافتند، دریافتند پرداختن به این موضوع در حوزه و در حاشیه قرار گرفتن آن، بس زیان‌آور بوده و مایه عقب‌ماندگی فکری.

مجله حوزه، افزون بر گشودن این بخش و طرح بحث‌های مورد نیاز و جدید در آن، در بخش‌های دیگر به تناسب، به مقوله کلام پرداخته است. از باب نمونه پاره‌ای از مقوله‌ها که با شکل و هیأت سیاسی مجال طرح یافته، کلامی‌اند، مانند ولایت فقیه. از این مقوله و موضوع، هم در بخش کلام مجله سخن رفته و هم در بخش سیاسی.

یا در شماره‌هایی به‌گونه ویژه، مسائل کلامی در کانون بحث قرار گرفته است، مانند شماره مهدویت، که نمایان‌گر دغدغه مجله نسبت به زمین ماندن بحث و آگاهی رسانی از مقوله بسیار مهم اعتقادی است و احساس مسؤولیت در برابر آسیبها و آفتهای است که چه بسا از این زاویه به اعتقادات فرد وارد شود و در جامعه اثر بگذارد.

مجله، در این ساحت نیز گذشته گران بود که توجه کافی و وافق به مسائل نوپیدا و جدید در عرصه کلام داشت. البته ریشه‌ها را در بوته بررسی نهاد. زیرا اگر ریشه‌های هر مقوله جدید، به درستی در بوته بررسی نهاده شود، هرچه شاخه و برگ برویاند و بگستراند و بر فروع آن افزوده شود، مشکلی در فهم ایجاد نخواهد کرد، به روشنی درک و فهم خواهد شد و شبهه‌های پدید آمده درباره آن، از صفحه ذهن زدوده خواهند شد.

آنچه در این نوشتار می‌آید، یک نگاه بیرونی به مقوله کلام و بحث‌های پیرامونی آن در مجله حوزه است که با عنوان معارف و کلام، بازتاب یافته است:

به طور کلی، بحث‌های معرفتی و کلامی که در مجله حوزه ارائه شده در

چهار محور زیر می‌گنجد:

اعتقادی - کلامی

اخلاق و عرفان

قرآن - تفسیر

الهیات و کلام



### ۱. اعتقادی - کلامی

مسائل اعتقادی - کلامی، از جایی شروع می‌شود که انگیزاننده است. انگیزانندگی که به طور جد به آن نیاز است. ذهن و فکر طلاب و فضلاء جوان را متوجه مقوله‌های کلامی مورد نیاز کردن، به یک خیزش بستگی داشت و شناساندن یک الگو و سخن گفتن از یک انسان موفق این عرصه، که در لایه‌های زیرین و پایه‌ای حوزه شناخته شده بود؛ اما لایه‌های رویین و نوحاستگان او را نمی‌شناختند و چیزهایی از ویژگیهای فکری او شنیده بودند،

اما از ژرفای اندیشه او آگاهی نداشتند و او ملا علی نوری بود، فرزانه‌ای که اندیشه و نوع نگاهش می‌توانست در آن برهه برای حوزه‌های علمی، در کارهای فکری و علمی، راهگشا باشد.

مجله حوزه، مسائل اعتقادی-کلامی را با عنوان: پاسخهایی در بحث عقاید از عالم فرزانه، ملا علی نوری شروع کرد و نمایاند که باید مسائل کلامی از این چشم‌انداز نگاه شود.

شروع بحث از این چشم‌انداز و بیان رسالت حوزه‌ها در این باب، گامی استوار بود که نشان می‌داد مجله حوزه دریچه‌ای را که به سوی بحثهای اعتقادی می‌گشاید، به طور کامل خردگرایانه است و بنا دارد از بحثهای مست و ناسازگار با خرد بهره‌یزد و دوری گزیند.

بحث از اعتقادات و کلام، با پرسش و پاسخ شروع می‌شود و شکل می‌گیرد؛ یعنی مجله بنا دارد این روش را الگوی کار خود قرار دهد، البته به زبان روز و درخور فهم نسل نوظاسته.

مجله با این نگاه، جایگاه دانش کلام را می‌نمایاند و با اشاره به شرح حال ملا علی نوری، از زبان سید جلال‌الدین آشتیانی، افزون بر این که رنگ خاصی به کار خود می‌دهد و با توجه دادن حوزه‌ها و حوزویان به شناخته نبودن ملا علی نوری، با آن بزرگی و گستردگی دانش، یک موجی علیه غفلت از مسائل کلامی و متکلمان و عالم صاحب اندیشه، پدید می‌آورد. با طرح پرسشی که از ملا علی نوری در یک مسأله کلامی شده و پاسخی که وی داده، به نظر می‌رسد، مجله حوزه، با یک حرکت ابتکاری، بحث از مسائل اعتقادی-کلامی را در دور جدید کلید می‌زند:

سؤال:

روح انسان، مجرد است، یا مادی؟ برای او، فانی شدن است،

یا نه؟

اگر بفرمایید مجرد است وفانی نمی شود، چه می فرمایید  
در خصوص آیه شریفه: کل شیء هالک الا وجهه.

جواب:

بدان ای برادر ایمانی که اصناف انسان، سه طایفه اعتبار کرده  
می شوند:

طائفه اول: انبیاء، اولیاء و اوصیاء.

طائفه ثانیه: مؤمنین و تابعین ایشان.

و طائفه ثالثه: کافرین و من فی جهنم.

در طائفه اولی، پنج روح است: روح القدس، روح الایمان،  
روح القوة، روح الغضب و روح الشهوة و روح المدرج.

و در طائفه ثانیه: چهار روح از ارواح خمسسه مزبور، غیر از  
روح القدس.

در طائفه ثالثه، سه روح است از ارواح خمسسه، غیر از  
روح القدس، روح الایمان.

روح القوة، مجرد می باشد و فناپذیر نمی باشد. لقلوله: ما خلقتم  
للفناء بل خلقتم للبقاء.

و روح الغضب و الشهوة، که عبارت از نفس حیوانی است، که  
نشانش همین غضب و شهوت می باشد و روح المدرج، که

عبارت از نفس نباتی و روح طبیعی باشد، که نشانش تنمیه و  
تغذیه و تولید مثل است، مادی می باشند و فناپذیرند....»

این بحث در شماره دوم ادامه می یابد. منتهی سؤال از مقوله دیگر است و

پاسخ ملا علی نوری همچنان روشنگر، برهانی و دقیق و سرمشق برای بحثهای  
کلامی.



مجله در بحث از اعتقادات، هدفهای والایی را در چشم انداز خود قرار می دهد که در فراز زیر (از مقاله: نگرشی به رسالت حوزه ها در زمینه عقاید، شماره ۴۵/۶) نمود یافته است:

«سخن از عقاید، یعنی بیان سنگین ترین و همگانی ترین بار رسالت انبیاء. انبیای الهی، که برانگیخته شدند، در دعوت به سوی حق، از اصول یکسان در تبلیغ رسالت پیروی می نمودند. و نخستین سخن خود را از دعوت به توحید شروع کردند. و با مطرح کردن توحید، شالوده نظام الهی را پایه ریزی می نمودند. از این روی، گسترش بُعد عقیدتی بعثتهای انبیاء، از حیاتی ترین و مشکل ترین مسائل تاریخ مذهب به شمار می آید؛ زیرا دوری از شناختن عقاید و تفسیر صحیح آن، موجب پیدایش و پیشرفت مکتبهای کفر و شرک و نفاق می شود و در نهایت زمینه ساز اسارت انسان در بند حاکمیت کفر زمان؟»

مجله حوزه در نگاه اول، گزاره های اعتقادی-کلامی که برای فضای فکری پس از انقلاب اسلامی، سازوار و درخور بحث بود و ضرورت بازنگری داشت، در سرلوحه کار و برنامه خود قرار داد. و این پرسشها و گزاره ها در آن فضا، که آیینها و قانونها و برنامه های اسلامی، با شناب چتر می گستراندند و جامعه را در پرتو نور خود می گرفتند، بسیار معنی داشت:

۱. «ضروری دین چیست و معیار آن کدام است.»

۲. ضروریهای دین کدامند.

۳. آیا انکار ضروری خود موضوعی مستثقل برای کفر است، یا

در صورتی که نتیجه اش انکار خدا و رسول باشد، موجب کفر

است؟

۴. چه نوع انکاری موجب کفر است؟ انکار از روی آگاهی و توجه، یا از روی جهل و غضب.

۵. آیا شبهه علمی در ضروری دین، موجب کفر است، یا نه؟

۶. آیا مجرد تفسیر و تأویل مادی، از ضروریات دین، انکار به حساب می‌آید، یا خیر؟ یا این که باید قصد تحریف در کار باشد.

۷. آیا برخی از ضروریات را به زبان خاص (مثل این که گفته شود این حکم ضروری برای مسلمانان صدر اسلام بوده است) یا

گروه خاص محدود کردن، موجب کفر است، یا نه و... ۱. ۲.

طرح این پرسشها و پاسخ دقیق و علمی به آنها، نضار را، که شاید بعضی ملتهب می‌کردند و یا بنا داشتند ملتهب سازند و وانمود کنند با قرار گرفتن اسلام و قانونهای آن در رأس هرم جامعه، جای نفس کشیدن و ابراز عقیده نیست و ابراز هر عقیده‌نا سازگار با متکلمان و فقیهان شیعه و یا با آرای مشهور کفر است و... با برخورد علمی و دقیق، آرام می‌کرد و به طالب علمان و فضیلتی جوان، می‌آموزاند که چگونه با موضوعهای تبلیغی برخورد کنند و بحثهای کلامی و عقیدتی را چگونه پیش ببرند که جوانان را نرماند و در ضمن جواب منطقی به پرسشها و شبهه‌ها داده شود و در ضمن پاسخ و جدیت برای شبهه‌زدایی و رویارویی با اندیشه‌های ویران‌گر و انحرافی، از هرگونه غلیان احساسات جلوگیری کنند که مباد به تکفیرهای بی‌جا بینجامد و جامعه اسلامی با چهره زشت در بین دیگر جامعه‌ها جلوه‌گر شود.

با روشها و زبانهای گوناگون، زشتی کارکرد کسانی را که در طول تاریخ، به جای مناظره و ارائه بحثهای منطقی دست به حربه تکفیر برده و به رویارویی با مخالفان برخاسته‌اند، نمایاند:

یکی از گرفتاریهای ما مسلمانان، در طول تاریخ، این بوده که

بعضی از اشخاص و یا فرقه‌های مسلمان در عمل، خلاف این روش [بلندنظری در برخورد با افکار] را پیموده‌اند و از روی نادانی و جهالت، و یا عناد و لجاجت، تعصبات بی‌جا، تنگ‌نظریها، خودمحوریاها، یا تحریکات بیگانگان از اسلام، چنین می‌پنداشته‌اند که تمامی آن چه را خود بدان معتقدند، جزو اصول اعتقادی است و باید ملاک کفر و اسلام دیگران قرار بگیرد. در نتیجه به جای برخورد صحیح و منطقی با آراء مخالف و پشه کردن طریق استدلال و برهان، به حربه اتهام و تکفیر روی آورده و کوچک‌ترین مخالف با عقاید خویش را با این حربه و چماق، پاسخ می‌داده‌اند. وحتى به این عمل خویش، به عنوان نوعی از تعصب در دین و حمایت از آن افتخار می‌کرده‌اند. در حالی که تعصب در دین و حمایت از آن معنایش این نیست که چماق اتهام و تکفیر را جایگزین منطق و استدلال نماییم. هیچ‌گاه حامیان واقعی دین و متعصبان به حق، چنین سیره و روشی نداشته‌اند، حتی در رابطه با ملحدان و کافران، که جز کفریات، چیزی بر زبان آنان جاری نمی‌شده است.<sup>۳</sup>

مجله حوزه در گاه بحث از آزادی، انواع آزادی را به بوته بررسی می‌نهد، از جمله: آزادی فکر، بیان، قلم، عقیده، مذهب، اقلیتهای مذهبی و... و دیدگاه اسلام را از زوایای گوناگون می‌کاود و به این نتیجه می‌رسد:

«در مکتب مقدس اسلام، عالی‌ترین هدف و گرانقدرترین مقصد، نیل به آزادی و نجات از انواع بندگیهای پنهان و آشکار است. یک فرد مسلمان، موظف است همواره مواظب خود باشد تا قدمش در راه یکتاپرستی نلغزد و طوق عبودیت و بندگی

غیر خدا را هرگز به گردن نیفکنند و آزادی پر ارزش خویش را حتی برای یک لحظه از دست ندهند.... اسلام آزادی را والاترین جلوه حرمت مقام انسان و نقطه قوت و امتیاز او می‌شناسد: «لقد کرمننا بنی آدم...» تکریم انسان مفهوم بسیار لطیف و زیبا و در عین حال وسیع و گسترده‌ای است که همه ارزشها و خوبیها و کمالات انسانی از جمله: «آزادی» را در خود جای می‌دهد و اصل محکم و متقن قرآنی است در معرفی مقام و منزلت انسان و از وظایف مهم پیامبر این است که بارهای سنگین را از دوش مردم بردارد و زنجیرهای اسارت و بدبختی انسانها را در هم بشکند....<sup>۴</sup>

مجله حوزه، با این بینش و نگاه به مبانی دینی و اسلامی، آزادی تفکر را زیربنای دیگر آزادیها می‌داند و با رویکردی اعتقادی-کلامی، در آن به بررسی می‌پردازد.

در این کاوشها و بررسیها، عطف توجه به این مهم است که نگاه به این گونه گزاره‌های سیال و توجیه‌پذیر، باید با واقع‌نگری و اصالت‌اندیشی خردورزانه، صورت گیرد و از سلطه‌پذیری فکری و تقلیدزدگی فرهنگی و برآیندهای منفی و نادرست تجددگرایی به دور باشد، تا سوءاستفاده‌ها و نارواییهایی که به اسم دفاع از آزادی ممکن است گوهر آزادی و دستاوردهای راستین آن را نابود سازد، پیش نیاید و مباحث بر معیار حقیقت و اعتدال کاویده شود.

با این رهیافت به بحث آزادی، روشن می‌شود که آزادی در گردن عقیده، امری ضروری است؛ زیرا امکان ندارد که باورهای قلبی و در اساس، هویت فکر دینی، با اکراه و اجبار شکل بگیرد. در اسلام، دین‌باوری آزادانه و ایمان آگاهانه، یک اصل مسلم و قطعی برای دیانت و دینداری دانسته شده است.

حتی، تشریح قانون جهاد، هرگز به معنای تحمیل عقیده نیست، بلکه برای برداشتن بازدارنده‌های دعوت به دین و رهایی از نظام سلطه، جلوگیری از فتنه و ستم و یا ضرورت دفاع از دین و دینداران در برابر دشمنان است:

«آزادی انسان در انتخاب عقیده امری است ضروری. تسخیر قلوب، که لازمه باور رکن اعتقادات است، با اکراه ممکن و میسر نمی‌گردد؛ از این روی، اسلام، آزادی انتخاب و ایمان آگاهانه را به عنوان اصلی از اصول اساسی مکتب، پذیرفته و مردمان را از اکراه و اجبار بر دین باز داشته است. قتال و جنگ نیز، نه به خاطر دعوت و اجبار به دین که در راه رفع موانع دعوت و جلوگیری از فتنه و ستم تشریح و تجویز شده است».<sup>۵</sup>

از همین منظر، آزادی تفکر در اسلام، عاملی بایسته و لازم برای رشد و بلوغ اجتماعی معرفی و بر آن تأکید می‌شود.

این آزادی، تمام ساحت‌های دین را، اصول و فروع، دربر می‌گیرد. از همین روی، اسلام مسلمانان را از آن چه مانع پدید آمدن محیطی آزاد و سالم و آرام برای تفکر و اندیشه است، پرهیز می‌دهد و هرگونه برخورد تند و غیر اصولی را با اندیشه‌ها، نادرست می‌شمارد.

آزادی بیان و اظهار عقیده، که از مهم‌ترین مظاهر آزادی و جزء حقوق مسلم انسانی است، نتیجه طبیعی اصول و آموزه‌هایی دانسته شده که در متن دین جای دارند، مانند: امر به معروف و نهی از منکر، مشورت نهی از کتمان حق و نصیحت و خیرخواهی.

با شرح این اصول و آموزه‌ها، روشن می‌شود که مردمان در نظام اسلامی این آزادیها را حقی دینی برای خود می‌دانند.

مجله حوزه، برای ثابت کردن و به کرسی نشاندن این رهیافت و

روشنگری بیش تر زوایای موضوع، از ارتداد و کفر مرتد و نسبت آن با مقوله آزادی (از شماره ۴۱ به بعد) سخن به میان آورده و به این نتیجه رسیده است: نه مجازات مرتد، دلیل مشروعیت سلب آزادی است و نه حکم به ارتداد ابزار مبارزه با آزادی تلقی می شود؛ بلکه اولاً شرایط عصری و انگیزه اشخاص دو عامل مهم در تعیین ارتداد است و ثانیاً، مرتد صرفاً به سبب اظهار عقیده مجازات نمی شود، تا بگوییم با آزادی بیان و عقیده ناسازگار است. دلیل مجازات مرتد، پیامدهایی مانند: به وجود آوردن جنگ روانی، شعله ور کردن درگیریهای مذهبی و... است:

«از آن چه تاکنون در شناخت مرتد و مجازات او گفتیم، مطالب ذیل روشن گردید.

۱. مسلمانی که در برخی از اصول اعتقادی دچار شک و تردید گردیده است، تا آن را انکار نکند، مرتد شمرده نمی شود.
  ۲. انکار ضروری دین، از روی ناآگاهی و یا شبهه، موجب ارتداد نمی گردد.
  ۳. انکار و ارتداد قلبی، تا در گفتار و یا کردار بروز نکند، موجب کفر نیست.
  ۵. ادعای غفلت و یا جدی نبودن سخن و کردار کفرآمیز، در صورت احتمال صداقت، موجب رفع کفر است.
  ۶. اظهار کفر از مسلمانی که اسلامش تقلیدی محض است و بر اثر عدم شناخت صحیح از اسلام به ارتداد گراییده است، در صورت توبه، موجب کفر نمی شود.
- همچنانکه اگر فردی در محیط غیر اسلامی و یا ضد اسلامی، بر اثر جهل و ناآگاهی به ارتداد گراید، کفر مرتد در حق وی اجرا نمی شود.

با توجه به آن چه گذشت، تنها مرتدی سزاوار کیفر است که آگاهانه و با علل و انگیزه‌های نفسانی و سیاسی، چیزی را که موجب انکار دین است، در گفتار و یا کردار خویش، ظاهر سازد. چنین فردی، اگر مرد و مسلمان زاده باشد، کشته می‌شود و اگر زن باشد، در صورتی که اظهار ندامت نکند، به حبس و زندان محکوم می‌شود. اگر مسلمان زاده نباشد، در صورت عدم بازگشت به اسلام، حکم مسلمان زاده درباره او اجرا می‌شود.

... در مسأله مجازات مرتد، علت را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد و مسائل دیگری را مورد بررسی قرار داد. به نظر ما، دلیل مجازات مرتد، پیامدهای سوئی است که در صورت عدم پیش‌گیری از آن، پدید می‌آید. ... مانند تحقیر و نابودی دین... تضعیف عقاید اسلامی... جنگ روانی... درگیریهای مذهبی... خطر نفوذ... و سهل‌انگاری در انتخاب دین.<sup>۶</sup>

نگاهی کلی و تحلیلی به این بخش از مطالب، روشن می‌کند که طرح این گونه مسائل و مباحث از معارف دینی، اگر چه همیشه و در هر شماره از مجله امکان‌پذیر است؛ اما پرداختن به آنها در دهه آغازین انقلاب اسلامی، به لحاظ موجودیت و فعالیت گروه‌های الحادگرا و التقاطی و ایجاد درگیریها و برخوردهای فکری و عملیاتی با مسلمانان و نظام اسلامی، افزون بر روشنگری در حوزه معرفت دینی، به واقع، مباحث و مطالبی راهبردی و استراتژیک برای جامعه و نظام نوپای اسلامی تلقی شده و ناظر به عینیت‌های دینی-اجتماعی بوده است.

همچنین اختصاص یافتن شماره‌ای از مجله به امام زمان (عج) و مسائل

مربوط به مهدویت،<sup>۷</sup> بیان گر دغدغه مجله و حساسیت نویسندگان و دست اندرکاران آن، به پاسخ گویی و حرکت برابر ضرورتها و نیازهای معرفتی-کلامی است. یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که در آن برهه زمانی، به لحاظ گذشت نزدیک به یک دهه از جنگ نابرابر و تحمل فشارها و تنگناهای ناشی از آن، احساس دینی در میان مردمان التهاب یافت، بویژه درباره ارتباط با امام زمان (عج) و ظهور آن حضرت، پاره ای تفسیرها و مطالب نادرست رواج پیدا کرد. در چنین فضایی بود که ویژه نامه امام زمان (عج) با مقاله ها و نگارشهای روشنگر، راهگشا و انتقادی، شکل گرفت.

این ویژه نامه را با عنوانهایی چون تولد و زندگی حضرت مهدی (ع)، ارتباط با امام زمان (ع) در عصر غیبت، مهدویت و مدینه فاضله، حکومت اسلامی در عصر انتظار، بررسی نشانه های ظهور، موافقان و مخالفان مهدی (عج)، زندگی دینی پیش از ظهور نشر یافت و با اقبال خوانندگان و اهل فکر روبه رو شد.<sup>۸</sup>

این مقاله ها، حاوی مطالبی است که پرسشها و ابهامهای بسیاری را درباره امام زمان و عقیده مهدویت در شیعه، روشن می کنند و افزون بر آسیب شناسی فضای عقیدتی و فکری پدید آمده، فهمی درست در خصوص این مقوله و عقیده مهم را عرضه می دارد، تا فرهنگ و کلام شیعی از رخنه مطالب سست و خرافی مصون بماند.

## ۲. اخلاق و عرفان

دانش دین، آن گاه به ثمر می نشیند که با خوی ورزی، خوش خلقی و سلوک زیبای باطنی همراه باشد. ضرورت این مهم برای حوزویان، که هدایت گران و راهنمایان دینی جامعه و مردم، بشمارند، بیش از هر کس دیگر مورد توجه است.



برای این امر، در سه محور نکته‌ها و جستارهایی ارائه شده است:

یکم. مباحث نظری اخلاق اسلامی-حوزوی.

دوم. رهنمودهای عملی و تجربی بزرگان حوزه با عنوان: «نامه‌ها و دستورالعملها» (که در حقیقت خوی ورزی به اخلاق الهی را سفارش می‌کنند و راه سلوک معنوی و عرفانی را برای خواننده می‌نمایانند).

سوم. شرح بیانی روشن از عرفان مثبت و آسیب‌شناسی در ساحت عرفان شیعی.

### اخلاق اسلامی-حوزوی

مقاله‌هایی که در محور نخست شکل گرفته، با این رهیافت به اخلاق پرداخته است که احساس اخلاقی برانگیزد و وجدان مسؤولیت‌پذیری اخلاقی را در حوزویان و طالب‌علمان، بالا ببرد. برای این هدف، ابتدا مسائل و اصول بنیادین در اخلاق جست‌وجو شده و براساس آنها، ایده اخلاقی و راه‌های رسیدن به آن بررسی شده است. با این عنوانها و مقاله‌ها:

جایگاه اخلاق در هندسه معارف اسلامی<sup>۹</sup>

آثار فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی اخلاق<sup>۱۰</sup>

ارج و بهای اخلاق در سیره عالمان دین<sup>۱۱</sup>

هدف در اخلاق اسلامی و بی‌کرائگی سیر اخلاقی<sup>۱۲</sup>

بررسی مسلک‌های اخلاقی<sup>۱۳</sup>

در این بررسیها، پس از شرح درباره «قرب الهی» به عنوان دورنمای هدف در اخلاق اسلامی، سه مسلک را برای رسیدن به هدف می‌کاود: راه خرد، راه دل، راه عشق و عقل.

پس از بررسی این راه‌ها، راه عبادت و عبودیت حق، برای سلوک و رسیدن به سرای یار و نیل به قرب الهی، برترین راه معرفی می‌شود.

در ادامه، با بررسی دو عنوان دیگر:

خودآگاهی عرفانی، انگیزه سلوک اخلاقی<sup>۱۴</sup>

اهمیت و نقش ایمان در اخلاق اسلامی<sup>۱۵</sup>

نسبت میان هدف و راه رسیدن به هدف را، که در این رهیافت مورد نظر است، روشن می‌کند و چون در نظر بوده که مباحث رویکردی حوزوی داشته باشد، سلسله مقاله‌هایی با عنوانهای زیر، آن رویکرد را پررنگ‌تر و پر نمودتر کرده است:

اصول نوشتار اخلاقی<sup>۱۶</sup>

چگونگی آموزشهای اخلاقی<sup>۱۷</sup>

نگاهی به منابع اخلاق<sup>۱۸</sup>

آداب و اخلاق اهل علم<sup>۱۹</sup>

در همین راستا سلسله مقاله‌های: آفات علم،<sup>۲۰</sup> سمت و سوی حوزوی پیدا می‌کند و بر آن تأکید دارد. به موازنه ارزشها و ضد ارزشها در حوزه علم و دانش دین می‌پردازد و با نگاهی آفت شناسانه ضرورت بیداری اخلاقی را به علم‌آموختگان حوزه می‌نمایاند.

### نامه‌ها و دستور العملها

دومین محوری که در آن معارف اخلاقی عرضه شده است، سلسله نوشتارهایی است با عنوان: نامه‌ها و دستور العملها. در حقیقت، این محور کامل‌کننده بخش نخست است؛ زیرا در آن بخش، همان‌گونه که گفته شد، بیش‌تر مسائل نظری اخلاق بررسی شده است و در این محور، اخلاق سلوکی و راهنمایی و ترغیب به رفتارهای اخلاقی مطرح است. این نوشتارها، تا پیش از شماره سیزدهم با عنوان نامه آمده است، مانند: نامه‌آخوند محمد بهاری

همدانی،<sup>۲۱</sup> نامه عارف و عالم میرزا جواد ملکی تبریزی،<sup>۲۲</sup> نامه عالم ربانی شیخ مجتبی قزوینی،<sup>۲۳</sup> نامه عالم عارف فیض کاشانی<sup>۲۴</sup> و... و از شماره سیزدهم به بعد، با عنوان: دستورالعملها ادامه یافته است، مانند: دستورالعمل حضرت امام خمینی،<sup>۲۵</sup> دستورالعمل سید السالکین آیت الله سید احمد کربلایی،<sup>۲۶</sup> دستورالعمل عارف گرانمایه بیدآبادی،<sup>۲۷</sup> دستورالعمل اخلاقی از عارف بلندمرتبه ملا حسینقلی همدانی و...<sup>۲۸</sup>

انتشار این نامه‌ها و دستورالعملها را می‌توان حرکتی ابتکاری در مطبوعات دینی برای عرضه معارف اخلاقی دانست و به توفیق و اقبال آن امید بست؛ زیرا اثرگذاری مطالب اخلاقی برای خواننده و شنونده، بیش از هر چیز، مرهون صاحبان قلم و صاحبان سخن است. وقتی خواننده یا شنونده، حقایق اخلاقی را از شخصی دریافت کند که او را متخلّق و دارای دل و اندیشه پاک و رحمانی می‌شناسد، احساس معنوی و برانگیختگی جدی‌تری در خود می‌کند و بی‌گمان، اثرپذیری بیش‌تری خواهد داشت.

از سوی دیگر، انسان خودساخته و بزرگی که حقایق و کمالهای اخلاقی را با موفقیت و توفیق الهی در باطن و دنیای درونش تجربه کرده است، هرچه می‌گوید، تراوشی است از سویدای دل او. و مصداق این حقیقت است که:

سخن کز دل برآید / لاجرم بر دل نشیند.<sup>۲۹</sup>

سخن گر خیزد از اعماق جانی

به فریاد آورد جان جهانی

چو شرح عشق گوید بیقراری

برد آرامش از هر بردباری

سخن کز دل برآید آتش است آن

که می‌سوزد تو را تا پرده جان

چو آید نغمه دل، دل بجوید

نشیند بر دل و از دل بگوید

برو بشنو کلام پاک جانی

که سازی جان خود، زان دم، جهانی<sup>۲۹</sup>

هم از این روست که عارف بزرگ حاج میرزا علی آقای قاضی، استاد علامه طباطبایی، می گوید:

«کسی که طالب راه سلوک طریق خدا باشد، اگر برای پیدا کردن

استاد این راه، نصف عمر خود را در جست و جو و تفحص

بگذراند تا پیدا کند، ارزش دارد و کسی که به استاد رسید، نصف

راه را طی کرده است.<sup>۳۰</sup>

### عرفان

در این محور معارفی ارایه شده است تا چهره منفی و انزواگرایانه از عرفان اسلامی-شيعی زدرده شود و سالک و عارف راستین از ظاهرگرایی صوفیانه و دیرنشین مسیححانه و بست نشینی مرتاضانه تمایزی روشن پیدا کند. در این تلاش معرفتی، چهره عرفان مثبت، این گونه بیان شده است:

«عرفان مثبت، هیچ حقیقتی را از عالم هستی، اعم از آن که

مربوط به انسان باشد یا غیر انسان، حذف نمی کند و بلکه همه

الم را با یک عامل ربانی درونی صیقلی می نماید و شفافش

می سازد و انعکاس الهی را در تمامی ذرات و روابط اجزاء این

عالم نشان می دهد.<sup>۳۱</sup>

این بررسی، نگاهی را تأیید و تأکید می کند که آدمی باید در راهیابی به

عرفان و معنویت، به همان اندازه که به همه خواسته های واقعی و قانونی اش،

هدف مند می‌نگرد، در دستیابی به مراتب و پادشاهی مانند: تصرف در عالم ماده و آگاهی به پاره‌ای امور غیبی هدف مند بنگرد و این مراتب و سائلی برای بیداری و کمال‌یابی تلقی گردد و سالک، هرگز به این گونه امتیازها به عنوان هدف ننگرد و در آنها نماند و از سیر و حرکت باز نایستد.

از سوی دیگر، مطالعه این بخش، خواننده را به نگاهی نو از عرفان اسلامی می‌رساند که دستیابی به معنویت دینی و تجربه عرفانی، هیچ‌گونه تضاد و تصادمی با فعالیت‌های اجتماعی و معیشتی ندارد، بلکه اساسی‌ترین ویژگی زندگی عرفانی، کار و تلاش پیگیر در این دنیا است؛ زیرا عارف وجود خود را وابسته به خدایی می‌بیند که او خود هر لحظه در کاری است:

«يسئله من في السموات والارض كل يوم هو في شأن»<sup>۳۲</sup>

هر چه و هر که در آسمانهاست، نیض وجودی خود را از او می‌خواهد. هر روز خدا در کاری است.

از این نگاه، گنج معنویت برای انسانهایی که اشعه‌ای از خورشید با عظمت خداوندی در عرصه طبیعت هستند، با کار و کوشش در راه تنظیم و ساماندهی به امور مادی و معنوی مردمان به دست می‌آید و مرهم نهادن به زخم یک انسان، همانند ذکر «یا حی یا قی» در تاریکیهای شب تلقی می‌شود.

اراده‌ای که در ساماندهی معارف این بخش، دیده می‌شود، اصالت بخشیدن به حرکتی است که به مقتضای شرایط اجتماعی دین و نگاه کلان به کلیت گزاره‌های دینی می‌کوشد تا ردای پشمین و سنگین را از قامت عرفان اسلامی-شیعی برگیرد، تا از خمودی آن را به درآرد و با عشق به زندگی و تعهد اجتماعی درآمیزد، تا آن‌جا که سلوک عرفانی در مَعبر شؤن حیات بشری اتفاق بیفتد. به همین منظور است که می‌بینیم چشم‌اندازی را می‌گشاید، تا نسبت عرفان با سایر مقوله‌های وجودی و اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی

انسان، نمود یابد، مانند: عرفان و قدرت، عرفان و تمدن، عرفان و علم و عقل، عرفان و هنر، عرفان و عشق، عرفان و آزادی هم اینک فقر معنوی، بویژه در دنیای غرب، سبب شده تا مکتبها و مرامهای عرفانی خریدار پیدا کنند و در این میان، عرفانهای شرقی با اقبال بیش تری روبه رو شوند. اگرچه برخی جریانهای عرفانی کاذب مانند عرفان سرخ پوستی، در غرب پدید آمده و رواج یافته است و کم و بیش جامعه ما و نسل حاضر را تحت تأثیر قرار داده است، ولی این رویداد، به انگیزه و علت‌هایی، که اکنون مجال سخن از آنها نیست، نمی‌تواند پاسخ‌گوی تشنگی معنوی انسان باشد. مجله تنها به منظور شفاف‌سازی این فضای عرفانی، یک شماره را به «جریان‌شناسی عرفانی»<sup>۳۳</sup> اختصاص داده و کوشیده است تا هم ماهیت و مدعیات این گونه عرفانها روشن کند و هم در مقایسه و برابر سازی با عرفان اسلامی، زیبایی عرفان اسلامی را بنمایاند.

به هر روی، چشم‌انداز عرصه‌های عرفانی مطرح شده در مجله نشان می‌دهد که تلاش برای ارائه معارف اصیل عرفانی و بازتاب دادن آنها، اگرچه از نخستین شماره مجله، با عنوان نامه‌ها و دستورالعملهای اخلاقی-عرفانی، که شرح آن رفت و نیز انتشار مقاله‌هایی تحقیقی-تحلیلی در این موضوع، تداوم داشته است؛ این تلاش به سازواری نیاز جامعه و نسل جدید نبوده است. این کاستی از وقتی که مجله بیش تر به سوی ویژه‌نامه‌ی موضوعی و شخصیتی روی کرده، دیده می‌شود. البته در این ویژه‌نامه‌ها می‌شد، نامه‌ها و دستورالعملهای عرفانی و اخلاقی درج شود و فضا را بیش از پیش عطرآگین کند، ولی متأسفانه، این مهم فرو گذاشته شده که بایسته است در حرکت جدید، با متد و روش جدید و نگاه ژرف‌تر، از این مقوله سخن به میان آید.

### ۳. قرآنی-تفسیری

یکی دیگر از اولویتهای معرفتی که دغدغه‌خاطر نویسندگان مجله نسبت به نیازهای معرفت دینی را نشان می‌دهد، ضرورت بازگشت به قرآن و رویکرد دوباره به معارف قرآنی است. مطالعه سلسله مقاله‌هایی که در این باره، از شماره نخست آغاز شده و ادامه یافته، در مرحله نخست این ضرورت را برای حوزویان و دین‌پژوهان حوزوی باز نموده و در مرحله بعد، سوق دادن دینداران به بهره‌برداری صحیح از قرآن و به کار بستن رهنمودهای آن، بازکاوی شده است.

سوگمندان باید گفت که در دهه‌های پیشین توجه درخور و شایسته به متن قرآن و به پژوهش گذاشتن آموزه‌های وحیانی، حتی در برنامه‌تعلیم و تعلم حوزها کم‌تر دیده می‌شد. مجله به منظور آماده‌سازی زمینه بازگشت به قرآن و معارف قرآنی و جای گرفتن تلاشهای تفسیری و قرآن‌پژوهی در سیستم آموزشی و پژوهشی حوزة، نوشتارهایی در سه محور عرضه کرده است.

یکم. کتابشناسی تفسیر قرآن

دوم. جریان‌شناسی تفسیر

سوم. شبهه‌شناسی تحریف قرآن

در محور یکم و دوم، ابتدا کتابهای تفسیر قرآن در فرهنگ اسلامی طبقه‌بندی تاریخی و در دو بخش: تفاسیر شیعه و تفاسیر اهل سنت، با نگاهی کتاب‌شناسانه معرفتی شده است. این نگاه، به گونه‌ای صورت گرفته که افزون بر معرفی کتابها، جریان‌شناسی تفسیر نیز اتفاق می‌افتد.

در محور سوم، روایات تحریف قرآن، که در بعضی کتابها مانند «فصل الخطاب» گرد آمده و زمینه نسبت ناروای به شیعه را پدید آورده (که

همانا عبارت باشد از باور به تحریف قرآن) با دقت و ژرف اندیشی بررسی شده و ساحت تفکر شیعه از این اتهام، پاک دانسته است.

در مقاله های دیگر، چگونگی بازگشت به قرآن و راهکارهای آن در نگاه احیاگران دینی جست و جو و این نکته مورد تأکید قرار گرفته که در شرایط کنونی، به منظور پایدار ماندن و سلامت فرهنگ دینی در میان امواج سهمگین فرهنگ بشری، پاک کردن معرفت دینی از کژیها، ناخالصیها و التقاطها، بازکاوی و بازنگری مبانی و احکام و آموزه ها و باورها و رهنمودهای وحیانی-انسانی قرآن، بازشناسی روشهای عقلانی، برای پیاده سازی آنها، جدی ترین نیاز در حوزه معرفت دینی و ضرورت دینداری امروز است.

مجله، مسؤلیت این مهم را در درجه نخست، متوجه عالمان دینی و حوزویان می کند و آنان را مسؤول می داند و پیامدهای سستی ورزیدن و شانه از زیر بار مسؤلیت خالی کردن را، یک به یک برمی شمارد.<sup>۲۴</sup>

#### ۴. الهیات و کلام جدید

نگاه مجله به این بخش از معارف دین، بیش تر روی بحثها و مقوله هایی است که هم میراث کلام اسلامی بازآفرینی و احیا شود و هم اندیشه ها و جستارهای نوین کلامی، به شکل کلام معاصر یا کلام جدید، مورد توجه و درنگ قرار گیرد.

این نگاه، بر باوری قرار یافته که دانش کلام هویتی جاری دارد. به همان اندازه که مسأله های معرفتی و علمی و فلسفی پیش رونده و نوشونده است، پژوهشهای کلامی نیز از این ویژگی جدا نیستند. ثبات اندیشی و همراه نشدن با دگرگونیهای فکری و عملی و یا به دیده انکار نگرستن و چشم را بر آنها فرو



بستن، بی‌گمان توان‌مندی کلام اسلامی را فرو می‌کاهد و به نارسایی و مهجوریت سوق می‌دهد، همچنانکه تسلیم شدن مطلق و تن دادن به هر چه تغییر و تجدد است، چیزی برای اثبات و دفاع باقی نمی‌گذارد.

چشم‌اندازی که مباحث کلامی مجله می‌گشاید و رهیافتی که برای پژوهش مسائل کلامی فراروی می‌نهد، بیان‌گر این نکته است که از یک سو نگاه تاریخی به مقوله‌های کلامی و باز نمود تحول ماهوی این مقوله‌ها، نباید ما را به توجیه تسلیم‌وار و تأویل نابجای موضوعها و گزاره‌های جدید بکشاند؛ و از سوی دیگر، بر این باور نباشیم که جز مسائل گذشته؛ چیزی صورت‌ن بسته و مسائل جدید همه‌اش شبهه و ایجاد شکاکیت در ساحت تفکر دینی است.

در لابه‌لای مباحث کلامی مجله، تلاش برای تبیین و باز نمود حقیقتی زمان‌مند به چشم می‌آید که امروزه هرگونه دین‌پژوهی با اضلاع گوناگون، به دانش کلام پیوند دارد. پس این دانش تا در مقام آموزش و پژوهش اولویتی درخور نیابد و ستون استوار دین‌پژوهی و دین‌اندیشی نگردد، رویارویی توان‌مندانه دین با انسان و جامعه مدرن و دینداری در عصر جدید، بدرستی امکان‌ظهور نخواهد یافت. مقاله: «علم کلام و بایستگی‌های بالندگی»،<sup>۳۵</sup> به گونه مستقیم و صریح، همین مقوله را می‌کارد و عناوینی از این دست را شرح می‌کند:

حضور جدی فلسفه و کلام در جامعه امروز، وظایف جدید در حوزه کلام، تحول و کارآمدی علم کلام، واقع‌گرایی در کاوشهای کلامی، شناخت مسائل جدید کلامی.

این تلاش بر این نکته تأکید می‌ورزد که بشر امروز، در ساحت فکر و

ایده سازی برای زندگی با دشواریهایی روبه روست که بیش تر آنها در حوزه مطالعات کلامی-فلسفی پژوهیده و پاسخ یابی می شود. برخی گزاره های دینی که تاکنون در این بخش از مجله نشر یافته و به گونه مستقیم، با همین نگاه به موضوع نگریسته است، عبارت است از:

دین و آزادی، جایگاه تعبد و تعقل در معارف اسلامی، پویایی اسلام در پویه زمان، دین و تکنولوژی، مبانی کلامی ولایت فقیه، دین و تمدن، عقل و دین، پلورالیزم دینی.

این چشم اندازهای کلامی-فلسفی ضمن آن که بخشی از دشواریهای فکری-معرفتی را روشن و گره گشای کرده، بر این توصیه نیز پای فشرده است که افکار و اندیشه های شکل گرفته در فرهنگ و زندگی جدید را باید جدی بگیریم؛ زیرا موج این افکار، بویژه در ساحت کلام و الهیات، جغرافیای انسانها را درنوردیده، حضور دین پژوهان را در این عرصه های فکری-معرفتی ضرور و ناگزیر کرده است. اگرچه، در مراحل نخستین، آدمی از عصیان گری این موجها می هراسد، زیرا به خاطر همراه بودن آنها با سلطه فکری و سیاسی و ارباب فرهنگی، ممکن است لغزشهای مرعوبانه را برای برخی پدید آورد، ولی بی شک تحمل و ظرفیت نشان دادن، بر قدرت و توان فکری و شکوفایی کلام و فلسفه اسلامی خواهد افزود. بی گمان، ابن سیناها، فارابی ها، ابن رشد ها، فخر رازی ها، خواجه نصیرها، صدراها و... از همین اقیانوس پرتلاطم و موجزای نقد اندیشه ها گذر کرده اند و امروز نیز رشد و بالتدگی معارف دینی-کلامی ما، گذر از همین موجها را اقتضا می کند.

پی نوشتها:

۱. منیة المرید، شهید ثانی، تحقیق رضا مختاری/۳۶۵.
۲. مجله حوزه، شماره ۱۳/۵۱.
۳. همان، شماره ۱۴/۶۷-۶۸.
۴. همان، شماره ۲۳/۹۴-۲۹۵.
۵. همان، شماره ۴۰/۵۹.
۶. همان، شماره ۴۲/۴۹-۶۱.
۷. این شماره، که به نام نامی امام عصر مزین است، چند بار، با عنوان چشم به راه مهدی، چاپ و در دسترس علاقه مندان و دوستان آن امام همام قرار گرفته است.
۸. مجله حوزه، شماره ۴.
۹. همان، شماره ۵.
۱۰. همان، شماره ۵.
۱۱. همان، شماره ۶.
۱۲. همان، شماره ۹.
۱۳. همان، شماره ۱۰.
۱۴. همان، شماره ۱۴.
۱۵. همان، شماره ۱۵.
۱۶. همان، شماره ۱۹.
۱۷. همان، شماره ۲۳ و ۲۴.
۱۸. همان، شماره ۲۰.
۱۹. همان، شماره های ۳۱، ۳۳، ۳۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۲۰. همان، شماره‌های: ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷.
۲۱. همان، شماره ۲-۳.
۲۲. همان، شماره ۴.
۲۳. همان، شماره ۵.
۲۴. همان، شماره ۶.
۲۵. همان، شماره ۱۳.
۲۶. همان، شماره ۱۵.
۲۷. همان، شماره ۳۵.
۲۸. همان، شماره ۷۳-۷۴.
۲۹. همان، شماره ۲۸/۱۲۸.
۳۰. همان/۱۲۳.
۳۱. همان، شماره ۳۷-۳۸/۲۳۲.
۳۲. سوره رحمن، آیه ۲۹.
۳۳. مجله حوزه، شماره ۱۲۰.
۳۴. همان، شماره ۹۶.
۳۵. همان، شماره ۷۲.



شهره‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# فهرست موضوعی

سال

بیست و دوم

- شماره ۱۲۷۵
- ♦ سرمقاله: کرامت انسان/ ۳
- ◇ مجتبی احمدی راد
- ♦ هويت، حقوق بشر و قرآن از امت يگانه تا
- امت های بسیار/ ۱۷
- ◇ حسن جمشیدی
- دیدگاه های ناسازگار با اعلامیه جهانی
- حقوق بشر / ۱۸
۱. ناسازگاری مبنایی بین اعلامیه جهانی و
- اسلام/ ۱۸
۲. تفاوت ماهوی/ ۱۸
۳. عدم ناسازگاری از نظر مبنا/ ۱۸
- مفاهیم کلیدی/ ۱۹
- الف. هویت/ ۲۰
۱. ماهیت به معنای خاص وجود
- ذهنی/ ۲۱
۲. ماهیت به معنای ذات/ ۲۱
- ب. حق/ ۲۴
۱. اعتباریات پیش از اجتماع/ ۲۴
۲. اعتباریات پس از اجتماع/ ۲۴
- ج. عدالت/ ۲۵
- ویژگی های مشترک اعلامیه جهانی حقوق
- بشر و منابع اسلامی/ ۲۸

- ♦ حقوق بشر در چشم انداز حقوق طبیعی/ ۷۹
- غلامرضا جلالی
- چستی و چگونگی حقوق طبیعی/ ۷۹
- دیرینگی آشنایی انسان با حقوق طبیعی/ ۸۰
- پیشینه های حقوق طبیعی/ ۸۳
- نظریه های حقوق طبیعی در یونان/ ۸۱
- نظریه رومی حقوق طبیعی/ ۸۳
- حقوق طبیعی از چشم انداز مسیحیت و حکمای مسیحی/ ۸۵
- پوزیتیویس و حقوق طبیعی/ ۸۷
- تجدید حیات حقوق طبیعی پس از جنگ جهانی دوم/ ۹۱
- حقوق بشر و حقوق طبیعی/ ۹۳
- رویکرد اسلام به حقوق طبیعی/ ۱۰۳
- اسلام و حقوق بشر/ ۱۰۶
- عناصر اصلی یک نظام دموکراتیک/ ۱۰۹
- ♦ حقوق انسان و هم اندیشی و سازگاری
- بین المللی در نگرش دینی و عقلی/ ۱۱۴
- سید حسین همایون (مصباح)
- نقش حقوق بشر در هم اندیشی بین المللی/ ۱۲۲
- پایه های سازگاری بین المللی/ ۱۲۵
۱. فراگیری/ ۲۸
۲. تفسیرپذیری/ ۳۰
۳. ارزش متعالی حق/ ۳۰
۴. مردم/ ۳۱
- پذیرش هویت ها در اعلامیه جهانی/ ۳۳
- قرآن و پذیرش هویت ها/ ۳۷
- فرق بین واقعیت و حقیقت/ ۳۷
- رویکرد واقع گرایانه/ ۳۸
- تفاوت وحدت و توحید/ ۳۹
۱. آیین مصریان و یعقوبیان/ ۴۰
۲. دین محمدی و آیین کافران/ ۴۳
۳. پیروان ادیان آسمانی/ ۴۴
۴. اختلاف های مردم/ ۴۹
- تأییدات/ ۵۶
- الف. دسته بندی انسان ها به خوب و بد و زشت/ ۵۶
- ب. مؤمن، کافر، منافق/ ۵۷
- ج. برابری انسان ها در بهره گیری از طبیعت/ ۵۸
- امت های متعدد/ ۵۹
- معانی میثاق نبیین/ ۶۶

- الف . پایه های نظری و فکری هم اندیشی و سازگاری / ۱۲۵
- ۱ . اصل کرامت و حرمت / ۱۲۵
- ۲ . اصل با حق حیات شایسته / ۱۲۹
- ۳ . اصل پیوستگی حیات (حق پیوند) / ۱۳۵
- ۴ . اصل کثرت گرایی / ۱۴۱
- ۵ . حق آزادی / ۱۴۶
- الف . توان مند / ۱۴۶
- ب . پاسخ گوئی / ۱۴۶
- ج . آگاهی و اختیار / ۱۴۷
- ۶ . حق عدالت (برابری) / ۱۵۳
- بانه های اجرایی و عملی هم اندیشی و سازگاری / ۱۵۹
- ♦ نگاهی به ویژگیها و بنیادهای حقوق بشر اسلامی / ۱۷۰
- ◊ محمدعلی روستان
- مقدمه / ۱۷۰
- ۱ . انسان، موضوع حقوق بشر / ۱۷۱
- الف . انسان موجودی دو بُعدی (مادی و معنوی) / ۱۷۲
- ب . اختیار و مسؤلیت پذیری انسان / ۱۷۳
- ۲ . حقوق و سرچشمه آن / ۱۷۵
- الف . اصل واقع گرایی در حقوق / ۱۷۵
- ب . بنیاد فرامادی حقوق بشر / ۱۷۷
- ج . اصل عدالت، محور حقوق اسلامی / ۱۷۸
- ۳ . شاخصه های اساسی حقوق بشر اسلامی / ۱۷۹
- الف . اصل حیات / ۱۷۹
- ب . اصل کرامت ذاتی / ۱۸۱
- ج . اصل برابری / ۱۸۳
- د . اصل آزادی / ۱۸۵
- هـ . اصل تعلیم و تربیت / ۱۸۸
- ♦ اعلامیه جهانی حقوق بشر / ۱۹۶
- ♦ اعلامیه اسلامی حقوق بشر / ۲۰۶

## شماره ۱۲۸۵ - ۱۲۹

- ♦ سرمقاله: حیات و مرگ انسانیت / ۳
- ◊ مجتبی احمدی راد
- ♦ مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین استاد عمید زنجانی / ۲۳
- مقدمه حوزه / ۲۳
- اسلام، منادی حقوق بشر / ۲۵
- شان و منزلت انسان در غرب و اسلام / ۲۸
- شخصیت انسان به چیست؟ / ۳۰

♦ نگاهی به ویژگیها و بنیادهای حقوق بشر اسلامی / ۱۷۰

◊ محمدعلی روستان

مقدمه / ۱۷۰

۱ . انسان، موضوع حقوق بشر / ۱۷۱

الف . انسان موجودی دو بُعدی (مادی

و معنوی) / ۱۷۲

ب . اختیار و مسؤلیت پذیری انسان / ۱۷۳

۲ . حقوق و سرچشمه آن / ۱۷۵

دیدگاه شهید مطهری درباره اعلامیه جهانی حقوق بشر/ ۵۸

نکته جالب در فهم سکولاریزم/ ۵۹

فرق حوزه خصوصی و عمومی در اسلام/ ۶۰

آزادبها فردی است، نه اجتماعی/ ۶۱

دفاع، استراتژی فقه شیعه/ ۶۶

♦ اسلام و حقوق بشر/ ۱۰۲

◇ محمد عبدالملک المتوکل، ترجمه: محمد باغستانی

پیش گفتار/ ۱۰۳

مفهوم اسلامی حقوق بشر/ ۱۰۷

اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر/ ۱۱۲

۱. آزادی عقیده/ ۱۱۳

۲. مساوات، برابری/ ۱۲۸

۱-۲. حقوق غیر مسلمانان در دولت اسلامی/ ۱۳۰

۲-۲. زن و برابری با مرد، حقوقی اسلامی/ ۱۳۹

الف. ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان/ ۱۴۳

ب. نظام ارث در اسلام/ ۱۴۴

۳۰ ماده حقوق بشر قبای کوتاه برای تن انسان/ ۳۱

کرامت انسان در پرتو تکلیف و مسؤولیت/ ۳۲

نادیده انگاری حق معنوی انسان در غرب و اعلامیه جهانی حقوق بشر/ ۳۳

ضرورت، نفس لوأمه خارجی، یا دیدبان برای جلوگیری از نقض حقوق بشر/ ۳۷

راهکار جلوگیری از نقض حقوق بشر/ ۳۸

تفسیر حقوق بشر برابر آیینها، رسمها، فرهنگ و شرایط اقتصادی اجتماعی هر قوم/ ۴۰

تفاوت گذشته ما با گذشته غرب/ ۴۳

قوانین حمایتی و حکم حکومتی راه حل مناسب برای جبران کمبودها/ ۴۵

تشکیک سبب توسعه فقه/ ۴۶

تجدید نظر در فقه، لازم؛ اما با اسلوب دقیق/ ۴۷

حق تکلیف، ماهیت حقوق بشر در اسلام/ ۵۱

حقوق بشر اسلامی، انسان و خدا محور است/ ۵۲

فطرت انسان بر توحید است/ ۵۴

انتخاب عقیده در فضایی به دور از فشار/ ۵۴

عوامل ارتداد/ ۵۶





۳. سید احمد فریدید و دکتر رضا داوری/ ۱۸۸
- ۱-۳. تاریخ حقوق بشر/ ۱۸۹
- ۲-۳. ماهیت و حقیقت نظریه حقوق بشر/ ۱۹۰
۴. دکتر علی شریعتی/ ۱۹۲
۵. کسانی که از دریچه پسامدرن به مسائل می‌نگرند/ ۱۹۳
- دیدگاه دوم/ ۱۹۳
۱. استاد جوادی آملی/ ۱۹۴
- ۱-۱. وجود انسانی/ ۱۹۴
- ۲-۱. شناخت حقوق بشر/ ۱۹۵
- ۳-۱. حقیقت انسانی چیست؟/ ۱۹۵
- ۲-۱. منابع حقوق بشر امروز/ ۱۹۶
۲. استاد محمدتقی مصباح/ ۱۹۷
- الف. مکتب حقوق طبیعی/ ۱۹۹
- ب. مکتب پوزیتیویسم حقوقی/ ۲۰۰
۳. تدوین‌کنندگان اعلامیه حقوق بشر اسلامی/ ۲۰۱
- دیدگاه سوم: مدافعان نظریه حقوق بشر/ ۲۰۲
۱. مدافعان از منظر درون دینی/ ۲۰۲
- الف. آزادی فکر و انتخاب عقیده/ ۲۰۵
- ب. حقوق بشر، راه انبیا، راه بشر/ ۲۰۵

- ج. چند همسری مردان/ ۱۴۶
- د. قییم بودن مرد بر زن/ ۱۴۷
- ه. گواهی دوزن در برابر گواهی یک مرد/ ۱۴۹
- و. حق زن در سرپرستی و پستیهای عمومی جامعه/ ۱۵۱
۳. دموکراسی/ ۱۵۳
- ۱-۳. اراده مردم، ملاک پیدایش حاکمیت سیاسی/ ۱۵۴
- ۲-۳. امت سرچشمه قدرتها/ ۱۵۹
- ۳-۳. آزادی رأی و بیان و حق آگاهی/ ۱۶۲
- ۴-۳. آزادی تشکیل حزبها و گروههای گوناگون/ ۱۶۷
- ◆ اندیشمندان اسلامی و اعلامیه حقوق بشر/ ۱۷۹
- ◊ سید محمد عیسی نژاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی/ ۱۷۹
- مقدمه/ ۱۷۹
- دیدگاه نخست: انتقادگران اعلامیه جهانی حقوق بشر/ ۱۸۱
۱. استاد مطهری/ ۱۸۱
- ۱-۱. حقوق زن مصداق نقد/ ۱۸۵
۲. سید محمود طالقانی/ ۱۸۶

۲. مدافعان از منظر برون دینی/ ۲۰۶
- دیدگاه چهارم: مدافعان بشرط/ ۲۰۹
- الف. ادیان و حقوق بشر/ ۲۱۰
- ب. انگیزه‌های تدوین حقوق بشر/ ۲۱۰
- ج. مقایسه میان دو جریان همسر/ ۲۱۴
- ♦ حقوق بشر در صحیفه نبوی/ ۲۱۹
- ◊ ولید نویهض ترجمه: محمد باغستانی
- گزارشی از بندها و مواد صحیفه/ ۲۲۴
- تاریخ صحیفه/ ۲۴۱
- چرا صحیفه.../ ۲۴۷
- چگونه صحیفه را بفهمیم/ ۲۵۱
- صحیفه چه می گوید/ ۲۵۳
- هدفهای صحیفه/ ۲۵۷
- متن صحیفه نبوی/ ۲۶۳
- ♦ اسلام و معیار شناسایی دولتها/ ۲۷۴
- ◊ حسین مصباح زاده
- الف. ایستار کنونی دولت اسلامی/ ۲۷۵
- ب. قسمها و معناهای شناسایی/ ۲۷۷
- ج. معیارهای شناسایی/ ۲۸۴
۱. معیار حقوقی/ ۲۸۵
۲. معیار سیاسی/ ۲۸۶
- د. معیارهای شناسایی از دیدگاه اسلام/ ۲۸۹
- امت اسلامی و نهاد دولت و ملتها/ ۲۹۱
- دیدگاه اسلام در مورد معیارهای حقوقی/ ۳۰۳
- حق رشد و تکامل/ ۳۰۷
- دیدگاه اسلام در مورد معیار سیاسی/ ۳۱۷
- پیامدها و فرقهها/ ۳۱۹
- ◊ آزادی اندیشه و گفتار از منظر ادیان و فرهنگ ها/ ۳۲۹
- ◊ دکتر وهیة الزحیلی؛ ترجمه: حسین ناصری مقدم
- توضیحی درباره اثر/ ۳۲۹
- پیش گفتار/ ۳۳۰
- معنای آزادی/ ۳۳۲
- معنای آزادی اندیشه و گفتار/ ۳۳۳
- نسبت آزادی فکری با دیگر آزادی‌ها/ ۳۳۷
- الف. آزادی علمی/ ۳۳۷
- ب. آزادی سیاسی/ ۳۳۸
- ج. آزادی دینی/ ۳۳۸
- دامنه آزادی فکری و ضوابط به کارگیری آن
- از نظر اسلام/ ۳۴۱
۱. قاعده‌های مطلق/ ۳۴۲

مقایسه قانونهای غربی با احکام فقهی/ ۳۶۴

نسخه برداری ممنوع/ ۳۶۵

سنجش اعلامیه شهروند فرانسه با تعالیم

اسلامی/ ۳۶۶

ارزیابی و داوری/ ۳۷۲

◆ رساله موسومه به یک کلمه/ ۳۷۷

◊ میرزا یوسف خان مستشارالدوله

مقایسه اصول اسلامی با اعلامیه حقوق بشر

سال ۱۷۸۹ فرانسه/ ۳۷۷

مقدمه در شرح یک کلمه/ ۳۸۱

بیست و یک فصل حقوق عامه فرانسه/ ۳۸۸

شماره ۱۳۰

◆ سرمقاله: مدرسه سیار/ ۳

◊ مجتبی احمدی راد

◆ رهنمودها/ ۱۵

آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار با نویسندگان

مجله حوزه/ ۱۷

آیت الله جوادی آملی در دیدار با نویسندگان

مجله حوزه/ ۱۳۰

۲. قاعده‌های نسبی/ ۳۴۲

قاعده و ترازهای استفاده از آزادی اندیشه در

ترازوی اسلام/ ۳۴۳

آزادی از منظر ادیان و فرهنگ‌ها/ ۳۴۴

۱. تعریف دین/ ۳۴۴

۲. تعریف فرهنگ (تمدن)/ ۳۴۵

آزادی عقیده روزی/ ۳۴۹

کیفر مرتد/ ۳۵۱

آزادی تابعیت و اقامت/ ۳۵۲

◆ نگاهی به «رساله یک کلمه»:

مقایسه اعلامیه حقوق شهروندی فرانسه

سال ۱۷۸۹ با مبانی اسلام/ ۳۵۸

◊ حسین ناصری

بازتاب حقوق بشر در جهان اسلام/ ۳۵۹

نسبت حقوق بشر و اسلام/ ۳۶۰

اهمیت رساله «یک کلمه»/ ۳۶۲

۱. تقدم/ ۳۶۲

۲. نگاه نقدگرایانه و فرهنگی/ ۳۶۲

۳. ارزیابی مقایسه‌ای و برابرسازی/ ۳۶۲

۴. حقوق بشر/ ۳۶۳

۵. قانون مداری/ ۳۶۳

۳. ارکان مدیریت در حوزه/ ۱۹۹
۴. طرح و برنامه/ ۱۹۹
۵. پیش نیازهای تدوین طرح و برنامه برای حوزه‌ها/ ۱۹۹
۶. تحلیل ریزتر مسائل نظام حوزه/ ۲۰۰
۷. ادامه مسائل نظام حوزه/ ۲۰۰
۸. جایگاه اجتماعی حوزه/ ۲۰۱
- دستاوردهای مجله حوزه پس از دو دهه/ ۲۰۲
- ♦ سه رویکرد اصلی، سی دستورالعمل سلوکی/ ۲۰۴
- غلامرضا جلالی
- حوزه‌های علمی و عرفان/ ۲۰۵
- حوزه‌های دستورالعمل نگاری/ ۲۰۷
- وجه مشترک دستورالعملها/ ۲۰۸
۱. ثبت میراث نوشتاری حوزه/ ۲۰۹
۲. روشنگری و بیان جایگاه حوزویان/ ۲۰۹
۳. هشدار نسبت به آسیبها/ ۲۱۰
۴. رهنمودهای عملی برای رسیدن به مقامهای معنوی/ ۲۱۰
- مجله حوزه و دستورالعملها/ ۲۱۱
- فرازهای مهم دستورالعملها/ ۲۱۸
- ♦ مجله حوزه از نگاه دانشوران و فرهیختگان/ ۱۵۷
- حجة الاسلام والمسلمین استاد عمید زنجانی/ ۱۵۹
- دکتر سید جعفر شهیدی/ ۱۶۶
- حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم/ ۱۶۹
- دکتر کاظم معتمدنژاد/ ۱۷۲
- حجة الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی/ ۱۷۹
- ♦ دیدگاهها/ ۱۸۷
- ♦ پیشگام طرح مسائل اصلاحی حوزه/ ۱۸۹
- احمد ترابی
- نخستین دریافتها از بایستگی دگرگونی/ ۱۹۰
- جریان حاکم و شیوه محکوم/ ۱۹۱
- انقلاب اسلامی زمینه‌ای نوین برای دگرگونی/ ۱۹۲
- مجله حوزه، منادی بایستگی اصلاحات در نظام حوزه‌های دینی/ ۱۹۲
- تنگناهای مجله حوزه در مسیر طرح دیدگاههای خود/ ۱۹۵
۱. ارزیابی مسؤلیت حوزه‌های علمی/ ۱۹۵
۲. مدیریت در حوزه‌های علمی/ ۱۹۶



## ◆ رهنمودها/ ۱۵

آیت الله حسین نوری همدانی در دیدار با

نویسندگان مجله حوزه / ۱۷

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی در

دیدار با نویسندگان مجله حوزه / ۴۲

آیت الله ناصر مکارم شیرازی در دیدار با

نویسندگان مجله حوزه / ۱۰۲

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در دیدار با

نویسندگان مجله حوزه / ۱۲۴

## ◆ مجله حوزه، از نگاه دانشوران و فرهیختگان / ۱۶۳

دکتر احمد بهشتی / ۱۶۵

محمد حکیمی / ۱۶۸

هادوی تهرانی / ۱۷۳

احمد مبلغی / ۱۷۹

علیرضا امینی / ۱۸۵

امیر خادم علیزاده / ۱۹۱

عبدالرحیم حجتی / ۱۹۹

رضا مختاری / ۲۰۵

محمد جواد صاحبی / ۲۰۹

یعقوبعلی برجی / ۲۱۳

سید موسی میر مدرس / ۲۱۷

الف. نمشیت نفس / ۲۱۸

ب. تقرب به خدا / ۲۲۱

ج. پیوند با دیگران / ۲۲۴

## ◆ نقش رسانه‌ای مجله حوزه، کاستیها و

بایستگیها / ۲۳۰

◇ سید حسین همایون (مصباح)

رسالت دینی-اسلامی در دنیای جدید / ۲۳۱

مجله حوزه، ذهنیت‌سازی و ذهنیت‌دهی / ۲۳۴

کارکرد مجله در ذهنیت‌سازی و ذهنیت‌بخشی / ۲۳۷

## ◆ شماره ۱۳۱-۱۳۲

◆ سرمقاله: یا جاری زمان / ۳

◇ مجتبی احمدی راد

موسیقار زمان / ۳

انسان سرمست از باده اختیار / ۴

رنگ آمیزی زمان به رنگ خدا / ۴

بایستگی ساخت زمان به دست انسان موحد / ۶

زمان‌سازی توحیدی یعنی رویارویی با حکومتها

و فکرها و جریانهای شیطانی / ۷

نوح پیامبر، پایه‌گذار تمدن بشری / ۸

پیامبران، الگو و معیار ساخت زمان / ۱۰

- ◆ کارنامه مجله حوزه ، در تحریف زدایی از تاریخ حوزه / ۲۶۵
- سید عباس رضوی
- دبانت ، شالوده تمدن اسلامی / ۲۶۵
- نیاز به تجربه و دانش علمای پیشین / ۲۶۶
- کم کاری حوزه ها در حفظ میراث خود / ۲۶۷
- تاریخ نگاریهای غرض آلود ، پس از نهضت پانزده خرداد / ۲۶۹
- مجله حوزه و بازسازی تاریخ حوزه ها / ۲۷۵
- عالمان و پادشاهان / ۲۷۸
- عالمان دین در دستگاه فرمانروایان مغول / ۲۷۹
- نخواجہ نصیرالدین طوسی و هلاکو خان / ۲۷۹
- شیعه و حکومت آرمانی و چیرایی کنار آمدن علما با حاکمان جور / ۲۸۳
- علت مدح پادشاهان در مقدمه آثار عالمان / ۲۸۷
- دفاع از علمای راستین و مخالفت با علمای درباری / ۲۹۱
- حسد روزان و کینه توزان در رویارویی با علما / ۲۹۲
- عالمان دین و پادشاهان صفوی / ۲۹۴
- نقش عالمان در تولید دانش ، گسترش باورهای دینی و ... / ۲۹۴

- سید ابوالفضل موسویان / ۲۲۲
- غلامرضا گلی زواره / ۲۲۴
- ◆ دیدگاهها / ۲۲۹
- ◆ نقش مجله حوزه در پاسداشت اندیشه ولایت فقیه / ۲۳۱
- محمد صادق مزینانی
- شیوه تحلیل ولایت فقیه در مجله حوزه / ۲۳۴
- ۱ . سبانی و انگاره های دین شناختی / ۲۳۶
- ۲ . حکومت و مشروعیت / ۲۳۹
- ۳ . پیشینه ولایت فقیه / ۲۴۲
- ۴ . قلمرو ولایت فقیه / ۲۴۳
- ۵ . نمایاندن دقیق اندیشه های سیاسی فقیهان شیعه / ۲۴۷
- ۶ . شیوه اجرایی نظریه ولایت فقیه / ۲۴۹
- رابطه فقیه حاکم با دیگر فقهها / ۲۵۲
- ۷ . حوزه و نظام ولایت / ۲۵۳
- حوزه علمیه و تغذیه حکومت / ۲۵۶
- نیاز به اجتهاد اثر گذار و کارآمد / ۲۵۶
- توجه به مسائل نوپیدا / ۲۵۷
- کارآمدی نظام ولایت / ۲۵۸
- مکتب و مصلحت / ۲۵۹



۱. تاریخ شفاهی / ۳۴۴
  - الف - نقل تاریخ حوزه‌ها / ۳۴۵
  - ب - نقل تاریخ معاصر ایران / ۳۴۶
۲. تاریخ علوم اسلامی / ۳۴۶
  - اول: دانش تفسیر / ۳۴۶
  - دوم: دانش تاریخ / ۳۴۶
  ۱. فلسفه تاریخ / ۳۴۷
  ۲. ضرورت آموزش تاریخ / ۳۴۷
۳. تاریخ آموزش اسلامی (کتاب درسی) / ۳۴۷
  ۴. منابع تاریخ اسلام / ۳۴۷
  ۵. جریان شناسی تاریخ نگاریها / ۳۴۷
- الف: تاریخ نگاری درباری / ۳۴۸
  ۱. ابداع اصطلاح تازه / ۳۴۸
  ۲. جریان نگری در تاریخ نویسی / ۳۴۸
- ب - تاریخ نگاری استعماری / ۳۴۸
- ج - اهمیت تاریخ نگاری در دیدگاه شخصیتها / ۳۴۸
  - سوم: علم اصول / ۳۴۹
  - چهارم: دانش اخلاق اسلامی / ۳۴۹
- الف: گرایش منبع شناسی / ۳۴۹
- ب: گرایش متن شناسی در اخلاق / ۳۴۹
  ۱. روش نامه‌های اخلاقی / ۳۵۰

- عالم درباری / ۲۹۶
    - راضی نبودن محقق کرکی از روند کارها / ۲۹۷
    - شرایط نزدیک شدن به دربارها / ۳۰۹
  ۱. شناخت و درک کامل از شرایط روزگار / ۳۰۹
  ۲. علم به اثر گذاری و منفید بودن / ۳۱۲
  ۳. توان علمی و بر خردار از آگاهی های ضروری ، منید و راهگشا / ۳۱۲
  ۴. بر خور داری از ملکه تقوا / ۳۱۵
- عالمان دین و دربار قاجار / ۳۱۶
- شیخ فضل الله نوری و حکومت استبداد / ۳۲۵
  - سید محمد کاظم یزدی و حکومت استبداد / ۳۲۷
- عالمان دین و دربار پهلوی / ۳۲۹
- میرزای نائینی و رژیم رضاخانی / ۳۲۹
  - آیت الله حائری و رژیم رضاخانی / ۳۳۱
  - آیت الله بر جردی و دربار پهلوی / ۳۳۵
- ◆ گزارش ارزیابی اجمالی مقالات تاریخ در مجله حوزه / ۳۴۳
- محمد باغستانی
- حجم کمی مقاله های تاریخی / ۳۴۳
  - بازتاب رشته های گوناگون تاریخی در مصاحبه ها و مقاله ها / ۳۴۴

- دوره قاجار - پهلوی / ۳۵۷
- نهضت جنگل / ۳۵۷
- دوره صفوی / ۳۵۷
۴. تاریخ حوزه های علمیه و جریانهای فکری در آنها / ۱۷
۵. تاریخ اندیشه اسلامی / ۳۵۹
- الف: تاریخ اسلام / ۳۵۹
- ب: تاریخ تشیع / ۳۶۱
۱. سیره معصومان / ۳۶۱
۲. سیره عالمان شیعه / ۳۶۶
- ج: اندیشه های جهانی اسلامی / ۳۶۷
- د: اندیشه های دیگر / ۳۶۸
- ◆ نگاهی به بررسیهای کلامی و معرفتی در مجله حوزه / ۳۶۹
- عباس مخلصی
۱. اعتقادی - کلامی / ۳۷۴
۲. اخلاق و عرفان / ۳۸۴
- اخلاق اسلامی - حوزوی / ۳۸۵
- نامه ها و دستورالعملها / ۳۸۶
- عرفان / ۳۸۸
۳. قرآنی - تفسیری / ۳۹۱
۴. الهیات و کلام جدید / ۳۹۲

۲. روش دستورالعمل / ۳۵۰
۳. روش وصیت نامه / ۳۵۰
- پنجم: دانش کلام / ۳۵۲
۱. تاریخ تحول دانش کلام / ۳۵۳
۲. معرفی برخی از متکلمان بزرگ و آثار آنان / ۳۵۳
۳. دفاعیه های کلامی از شماری از عالمان شیعی / ۳۵۳
۴. اثر گذاری دانش کلام در علوم دیگر / ۳۵۳
- ششم: دانش فلسفه اسلامی / ۳۵۳
۱. معرفی حوزه های فلسفی در ایران / ۳۵۴
۲. معرفی فیلسوفان بزرگ / ۳۵۴
۳. منتقدان فلسفه / ۳۵۴
- هفتم: اطلاعات عمومی در باره دانشهای اسلامی (متون درسی) / ۳۵۴
۳. تاریخ معاصر ایران / ۳۵۴
- دوره پهلوی - نهضت ملی شدن نفت / ۳۵۴
- دوره قاجار / ۳۵۵
- الف: واقعه تنباکو / ۳۵۵
- ب: نهضت مشروطه و نقش روحانیت / ۳۵۵
- ج: آراء و اندیشه ها در نهضت مشروطه / ۳۵۶
- د: وقایع سیاسی دیگر این دوره / ۳۵۷